

باستان شناسی کتاب مقدس

نگاهی نوبه تاریخ قوم یهود
و منشأ کتاب های مقدس آن

ایسرائل فینکلشتاین - نیل آشر سیلبرمن
مترجم: سعید کریم پور

Finkelstein, Israel	فینکلشتاین، اسرائیل، ۱۹۴۹-م	سرشناسه
باستان‌شناسی کتاب مقدس: نگاهی نو به تاریخ قوم یهود و منشأ کتاب‌های مقدس آن	عنوان و نام پدیدآور	
/ مؤلف اسرائیل فینکلشتاین، نیل اشیر سیلبرمن؛ مترجم سعید کریم‌پور، تهران: سبزان، ۱۳۹۳.	مشخصات نشر	
۵۳۶ص.	مشخصات ظاهری	
۹۷۸-۶۰۰-۱۱۷-۱۱۹-۲	شابک	
وضعیت فهرست نویسی: فیا	وضعیت فهرست نویسی	
The Bible Unearthed: Archaeology's New Vision of Ancient Israel and the Origin of Its Sacred Texts, c2001	عنوان اصلی: یادداشت	
کتابنامه: ص. ۴۸۹.	یادداشت	
نگاهی نو به تاریخ قوم یهود و منشأ کتاب‌های مقدس آن.	عنوان دیگر	
کتاب مقدس - آثار تاریخی	موضوع	
یهودیان - تاریخ	موضوع	
اسرائیل - تاریخ	موضوع	
سیلبرمن، نیل اشیر، ۱۹۵۰-م.	شناسه افزوده	
کریم‌پور، سعید، ۱۳۵۸- مترجم	شناسه افزوده	
BS۶۲۱/ف۹ب۲۱۳۹۳	رده‌بندی کنگره	
۲۳۰/۹۳	رده‌بندی دیویی	
۳۶۳۳۶۴۵	شماره‌ی کتابشناسی ملی	



انتشارات سبزان

میدان فردوسی - خیابان فرصت - ساختمان ۵۴ تلفن: ۸۸۳۱۹۵۵۸-۸۸۸۴۷۰۴۴

باستان‌شناسی کتاب مقدس

نگاهی نو به تاریخ قوم یهود و منشأ کتاب‌های مقدس آن

• مؤلف: اسرائیل فینکلشتاین - نیل اشیر سیلبرمن

• مترجم: سعید کریم‌پور

• ناشر: سبزان

• خدمات نشر: واحد فنی سبزان

۸۸۳۴۸۹۹۱-۸۸۳۱۹۵۵۷

• نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۴

• تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

• قیمت: ۳۰,۰۰۰ تومان

• چاپ و صحافی: معراج

فروش اینترنتی و online از طریق سایت‌آی کتاب www.iketab.com

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۷-۱۱۹-۲ ISBN 978-600-117-119-2

فهرست مطالب

۷	مقدمه مترجم
۱۰۳	گفتار آغازین
۱۰۷	مقدمه: باستان‌شناسی و کتاب مقدس

بخش اول: کتاب مقدس، یک تاریخ؟

۱۳۳	فصل ۱. پژوهشی درباره نیاکان اولیه
۱۵۷	فصل ۲. حادثه خروج، افسانه یا واقعیت؟
۱۸۳	فصل ۳. فتح کنعان
۲۱۱	فصل ۴. اسرائیلیان باستان چه کسانی بودند؟
۲۳۹	فصل ۵. یادمانهای یک دوران طلایی؟

بخش دوم: ظهور و سقوط اسرائیل باستان

۲۶۷	فصل ۶. یک کشور، یک ملت، یک قوم؟ (۹۳۰ - ۷۲۰ ق.م)
۲۸۷	فصل ۷. نخستین پادشاهی فراموش‌شده اسرائیل باستان (۸۸۴ - ۸۴۲ ق.م)
۳۱۵	فصل ۸. در سایه امپراتوری (۸۴۲ - ۷۲۰ ق.م)

بخش سوم: یهودا و آفرینش تاریخ کتاب مقدس

۳۴۷	فصل ۹. تفسیر شکل یهودا (۹۳۰ - ۷۰۵ ق.م)
۳۶۹	فصل ۱۰. بین جنگ و بقا (۷۰۵ - ۶۳۹ ق.م)
۳۹۳	فصل ۱۱. اصلاحات بزرگ (۶۳۹ - ۵۸۶ ق.م)

فصل ۱۲. تبعید و بازگشت (۵۸۶ - ۴۴۰ ق.م) ۴۱۷

گفتار واپسین: آینده اسرائیل کتاب مقدس ۴۳۵

بخش چهارم: پیوست‌ها

- پیوست ۱. فرضیات مربوط به تاریخی بودن عصر قدیسان اولیه ۴۴۳
- پیوست ۲. پژوهشی درباره سینا ۴۴۹
- پیوست ۳. فرضیه‌های جانشین برای فتوحات اسرائیل باستان ۴۵۱
- پیوست ۴. علل خطا بودن روشهای سنتی باستان‌شناسی در مورد دوران داوود و سلیمان ۴۶۱
- پیوست ۵. تعیین دوره منشأ در اسناد باستان‌شناسی ۴۶۷
- پیوست ۶. وسعت پادشاهی یوشیا ۴۶۹
- پیوست ۷. مرزهای ایالت یهود ۴۷۷
- کتابنامه ۴۸۱
- نمایه ۵۰۵

www.ketaboo.ir

مقدمه مترجم

«کتاب مقدس عبری»^۱ یا همان مجموعه نوشته‌های مقدس یهودیان باستان، که معمولاً با نام «عهد عتیق»^۲ شناخته می‌شود، از قدیمی‌ترین آثار مکتوب تمدن بشری است. این کتاب شگفت‌انگیز قرن‌هاست که با جایگاه ویژه‌اش در قلب آئین یهود تأثیر غیرقابل‌انکاری بر فرهنگ و تمدن بشر در تمام گستره گیتی نهاده و این تأثیر پس از آنکه الحاقیه‌ای با عنوان «عهد جدید» بدان افزوده شده بسیار بیشتر گردیده است. تا زمانی ما بخش قابل توجهی از میراث فرهنگی جامعه بشری از جنبه‌های مختلف مذهبی، ادبی، هنری و اجتماعی تحت تأثیر این کتاب پدید آمده و در موارد بسیاری منعکس‌کننده آموزه‌های آن است؛ آموزه‌هایی که در طی دو سه قرن اخیر سنجش درستی یا نادرستی آنها برای مشخص کردن اثرات سازنده یا غیرسازنده کتاب مقدس بر حیات فرهنگی بشر مهمترین دغدغه دانشمندان و متفکران عصر مدرن بوده است.

میراث قرن‌ها حیات معنوی بشر با هر دو نوع دستاوردهای فکری و مادی و همچنین تمام رنج‌ها و مشکلاتی که از تفاوت دیدگاه‌های آئینی و اختلافات عقیدتی متحمل شده اکنون او را در آستانه حرکتی بهتر و بالنده‌تر به سوی آینده، قرار داده تا راه هزاران ساله‌ای را که تا کنون طی کرده مورد بررسی قرار دهد و فراز و نشیب‌های آن را به دقت بسنجد؛ عوامل رشد و شکوفایی و علل سقوط و انحطاط خود را بازشناسد، و بفهمد که اگر در حیطه‌ای دستاوردهای درخشانی به دست آورده منشأ آن کجا بوده و اگر در جایی دچار زبانه‌های بزرگ شده دلیلش چه بوده است. تردیدی نیست که آثار مکتوب همواره بیشترین تأثیر را در رشد فکری و فرهنگی بشر داشته‌اند و در این میان کتاب مقدس عبری با گستره وسیع تاریخی و جغرافیایی که حوزه تأثیر آن بوده،

جایگاهی بسیار ویژه دارد و همین جایگاه ویژه است که در تطورات فرهنگ بشری نیز سهم ویژه‌ای به آن داده و آن را در کانون توجه اندیشمندان قرون و اعصار قرار داده است.

ارزیابی اثر کهنی همچون کتاب مقدس که دارای جنبه‌های مختلف عقیدتی، تاریخی، ادبی و اخلاقی است مستلزم بررسی آن از تمامی جنبه‌هاست و برای قضاوت تنها تکیه بر یکی از آنها بدون در نظر گرفتن بقیه، کافی نیست. همچنین، مسلم است که وقتی نتیجه حاصل از همه دیدگاه‌ها در کنار هم قرار گیرد هم میزان درستی هر یک از این نتایج بهتر معلوم می‌شود و هم نقایصی که شاید در بعضی از آنها هست جبران می‌شود. از همین روست که در زمان ما، گرایش زیادی نسبت به اینکه نتایج حاصل از بیش از سه قرن واکاوی علمی کتاب مقدس از جنبه‌های مختلف ادبی، تاریخی و عقیدتی در کنار یکدیگر گذاشته شود تا با مقایسه آنها شناختی کامل از واقعیت این اثر شگفت به دست آید به وجود آمده است. شکی نیست که هر دو ویژگی ادبی و عقیدتی کتاب مقدس ریشه در بهتر تاریخی آن دارند و به این ترتیب، ارزیابی تاریخی آن بیش از جنبه‌های دیگر اهمیت دارد و در این ارزیابی، همواره دانش باستان‌شناسی ویژه‌ترین جایگاه را داشته است.

با آنکه فتوای معروف اورینگن^۳ اندیشمند مسیحی قرن سوم میلادی مبنی بر ممنوعیت هرگونه ابراز تردید در ماهیت وحیانی تورات شان می‌دهد که اصالت این کتاب از همان زمان زیر سؤال بوده، اما سنجش راستینی تاریخی کتاب مقدس از دوره رنسانس آغاز شد. در واقع، دانشمندان آزاداندیشی همچون باروخ اسپینوزا^۴ که در اولین مراحل تحقیقات خود درباره اعتبار محتوای این کتاب با مسائلی همچون تناقضات و خلاف‌گویی‌ها، اشتباهات کلامی و اختلاف روایات روبه‌رو بودند و نمی‌توانستند آنها را با دلایل ساده‌ای همچون خطای نوشتاری و آسیب دیدن نسخه‌های خطی توجیه کنند، متوجه شده بودند که کلید فهم خیلی از این مشکلات در تاریخ تکامل فکری قوم یهود و نحوه تدوین کتاب مقدس آنها نهفته است. هرچه آگاهی دانشمندان از فرهنگ و عقاید ملل قدیم بیشتر می‌شد بیشتر به رابطه بین محتوای کتاب مقدس با مسائل تاریخی پی می‌بردند، تا آنکه سرانجام برای‌شان روشن شد که جنبه تاریخی این کتاب صرفاً منحصر به «بعد تاریخی آشکار» آن یعنی رویدادهای مطرح‌شده در آن نیست، بلکه این کتاب یک «بعد تاریخی پنهان» نیز دارد که به دور از چشم خوانندگان، ظاهراً در قالب عقاید آئینی، آرایه‌ها و اسلوبهای ادبی، قوانین شرعی و آموزه‌های اخلاقی در بطن واژگان و عبارات آن پوشیده مانده است؛ تاریخ پنهانی که تمام مشکلات منطقی شناخته‌شده در ظواهر کتاب مقدس تنها حکم سرنخ‌هایی برای آن را دارد و پرده برداشتن از روی آن نیازمند آگاهی عمیق و

گسترده‌ای از تاریخ جهان باستان است.

ارزش دانش باستان‌شناسی در فهم سیر تحولات تاریخی اقوام و ملل باستان بر کسی پوشیده نیست، و در واقع باید گفت که این دانش بیشترین کمک را به افزایش آگاهی ما از جهانی که کتاب مقدس در آن زاده شد، کرده است. این دانش، با روشهای دقیق علمی در واکاوی اماکن تاریخی و بررسی آثار بازمانده از دوره‌های گذشته، ما را در تعیین صحت و سقم مندرجات بسیاری از متون کهن، از جمله کتاب مقدس، یاری می‌دهد و به ما می‌آموزد که از چه منظری به محتوای آنها نظر افکنیم.

به دلیل اهمیت کتاب مقدس و جایگاه مهم تاریخی و مذهبی آن، تحقیقات علمی فراوانی درباره‌اش صورت گرفته و هم معتقدین و هم منتقدین آن هر کدام برای اثبات نظر خود یا رد آرای طرف مقابل به ارائه اسناد تاریخی و باستان‌شناسی مرتبط با آن کوشیده‌اند. تعداد دانشمندان مغرب‌زمین که به مطالعه و تحقیق بر روی این کتاب پرداخته‌اند از حد شمار بیرون است و گواه آن هم انبوه کتابها و مقالات علمی منتشرشده در اروپا و آمریکا با موضوع کتاب مقدس است. بسیاری از پژوهشگران این حیطه خود از دانشمندان متخصص در باستان‌شناسی و از مشهورترین چهره‌های آکادمیک هستند و مقالات علمی آنها نیز مدام به‌روزرسانی می‌شود. سرعت روزافزون اکتشافات و حجم زیاد یافته‌ها و تحولات پیاپی در فرضیه‌های علمی موجب شده تا منابع این حوزه هر روز عمق و محتوای بیشتری پیدا کنند، و کتاب حاضر نیز که به عنوان «پرسروصداترین» کتاب قرن اخیر در زمینه باستان‌شناسی کتاب مقدس شناخته شده، یکی از جذابترین و پروزترین آنهاست.

مؤلفان این کتاب، پروفیسور ایسرائل فینکلشتاین^۵ استاد باستان‌شناسی دانشگاه تل‌آویو، و دکتر نیل آشر سیلبرمن^۶ رئیس مرکز باستان‌شناسی و میراث فرهنگی بروکسل هر دو از بزرگترین متخصصان باستان‌شناسی و از شناخته‌شده‌ترین چهره‌های علمی جهان هستند که علاوه بر مطالعات و دانش گسترده در حوزه کاری خویش، شخصاً نیز در هدایت بسیاری از عملیات حفاری در فلسطین و دیگر مناطق مرتبط با تاریخ کتاب مقدس مشارکت داشته‌اند. آنچه که آنها در این کتاب به خوانندگان ارائه داده‌اند گزارشی مختصر اما سودمند از همه کاوشهای باستان‌شناسی در طول یکصد سال گذشته است، و همان طور که در مقدمه خود گفته‌اند جمع‌آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل و نهایتاً آماده‌سازی آنها برای تألیف این کتاب بیش از هشت سال به‌طول انجامیده است.^۷ رویکرد آنها در تلفیق یافته‌های باستان‌شناسی و نتایج نقادیهای نظری بر قواعد علمی استوار است و از این رو قضاوت درباره نظراتشان مستلزم داشتن تخصص در این حوزه و

اطلاعات گسترده علمی در سطوح عالی است.

مؤلفان کتاب با طرح ادعایی شگفت‌انگیز بر این باورند که امروز اطلاعات موجود از جهان کهن بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی دیگر بدان حد از عمق و دقت رسیده که بتوان از روی آنها تاریخ قوم اسرائیل را بدون هیچ نیازی به مراجعه به بزرگترین و اصلی‌ترین منبع سنتی آن یعنی کتاب مقدس بازسازی کرد؛ و چون مبنای تجزیه و تحلیل‌ها یک سری یافته‌های مادی و واقعی است نتایج حاصل از آنها هم درست و دارای اعتبار تاریخی است. به این ترتیب کتاب حاضر منبعی مستقل از کتاب مقدس را در زمینه تاریخ قوم یهود و اسرائیل باستان در اختیار خوانندگان و پژوهشگران قرار می‌دهد. این کتاب به بررسی علل و زمینه‌های پیدایش خود کتاب مقدس هم می‌پردازد که البته، نتیجه‌ای بس شگفت دارد: این کتاب تلفیقی از چند متن اصلی اولیه و متفاوت عبری با یک مجموعه از روایات قدیمی، افسانه‌ها، پیشگوئی‌ها، و باورهای ملل مختلف جهان باستان است که نخستین بار در قرن هفتم پیش از میلاد در دربار یوشیا پادشاه یهودا در اورشلیم به دست جمعی از کاتبان و کاهنان درباری و در راستای اهداف خاص سیاسی و مذهبی به رشته تحریر درآمده و یک قرن بعد به دست کاهنی به نام عزرا به شکل نهایی خود درآمده است.

ما قصد نداریم در این مقدمه به بیان سیر تکامل نقادی کتاب مقدس و معرفی چهره‌های علمی تأثیرگذار بر روند آن در طی دو سه قرن اخیر بپردازیم چون این موضوعی است که حتی ارائه یک خلاصه از آن هم کتابی مفصل را طلب می‌کند. رویکرد اصلی کتاب حاضر نیز باستان‌شناسی است و به جنبه‌های دیگر انتقادی کتاب مقدس نظیر جنبه‌های ادبی و آئینی و نسخه‌شناسی نمی‌پردازد. گزارش کامل همه کاوشهای باستان‌شناسی انجام‌شده در این باره در این مقدمه کوتاه امکان‌پذیر نیست و بهترین گزارش خلاصه از این کاوشها نیز همان است که مؤلفان کتاب در ضمن فصلهای مختلف آن ارائه داده‌اند. به این ترتیب مقدمه حاضر را به مروری سریع بر مهمترین فرازهای کتاب اختصاص می‌دهیم، و در ضمن آن بعضی از ناگفته‌ها و نکات ضروری درباره رابطه باستان‌شناسی و تاریخ ادیان را برای خوانندگان بیان می‌کنیم.

با آنکه از عنوان کتاب چنین برمی‌آید که محتوای آن بررسی موضوعات کتاب مقدس - از آفرینش جهان و پیدایش انسان گرفته تا زمان ظهور عیسی مسیح یعنی عهد جدید - را از منظر باستان‌شناسی شامل می‌شود، اما تمرکز اصلی آن بر تاریخ قوم یهود از ورود ابراهیم به کنعان و پیدایش دوازده سبط بنی‌اسرائیل تا حمله نبوکدنصر (بخت‌النصر) به اورشلیم و تخریب معبد آن است و به موضوعات قبل و بعد آنها نمی‌پردازد. به این ترتیب خواننده هیچ اظهارنظری از سوی

مؤلفان درباره خلقت جهان و داستان آدم و حوا و واقعه طوفان نوح نمی‌یابد، و درباره وقایع سالهای بعد از حمله نبوکدنصر هم فقط فصلی بسیار کوتاه به او ارائه می‌شود. با این اوصاف، به نظر می‌رسد عنوان «باستان‌شناسی تاریخ قوم یهود» برای این کتاب مناسبتر باشد.

نکته دیگر در این میان، رعایت نشدن رویکرد یکسان علمی در برخورد با موضوعات کتاب است. البته مؤلفان، در بسیاری از موارد، بحثها را با شیوه‌ای کاملاً علمی به پیش برده و هر جا که متوجه نادرستی یا نارسایی گزارشهای کتاب مقدس شده‌اند شجاعانه یا را از محدوده آن فراتر گذاشته و کوشیده‌اند بر اساس دانش باستان‌شناسی توضیح علمی کافی برای آن موضوع ارائه دهند؛ نظیر این توضیحات دقیق و سودمند را می‌توان در مباحثی همچون ورود نیاکان اولیه به کنعان، نحوه اسکان اسرائیلیان قدیم در شرق مدیترانه، تمدن پادشاهی شمالی در زمان سلسله عمری و غیره دید. اما متأسفانه، در بعضی موارد هم (که اتفاقاً حساسیت بیشتری روی آنها هست و طبعاً از مؤلفان انتظار می‌رود دقت و موشکافی علمی بیشتری در بررسی آنها نشان دهند) صرفاً بر گزارشهای کتاب مقدس تکیه کرده و از محدوده سنتی آن فاصله نگرفته‌اند، و به نظر می‌رسد که آنچه برای آنان مهم بوده فقط اثبات نادرستی گزارش کلمه‌به‌کلمه کتاب مقدس بوده است نه اصل آن واقعه تاریخی. نظیر این رویکرد را می‌توان در داستان ابراهیم، ماجرای یوسف، داستان خروج بنی‌اسرائیل از مصر، جایگاه ویژه داوود و سلیمان در حکومت اسرائیل باستان، و منشأ اصلی یکتاپرستی در تاریخ قوم یهود اشاره کرد. مثلاً می‌بینیم که مؤلفان وقتی موضوع تعیین مکان کوه سینا را بررسی می‌کنند تنها همان فرضیه سنتی عبور بنی‌اسرائیل از شاخه غربی دریای سرخ (خلیج سوئز) و سرگردانی‌شان در شبه جزیره سینا را مد نظر قرار می‌دهند و وقتی به این نتیجه می‌رسند که نشانه‌ای در تأیید واقع بودن کوه سینا در شبه جزیره سینا وجود ندارد، همین را برای صدور حکم درباره نادرستی واقعه خروج بنی‌اسرائیل کافی می‌دانند و برای بررسی احتمالات دیگر، به خصوص عبور آنها از شاخه شرقی دریای سرخ (یعنی خلیج عقبه) و قرار داشتن کوه سینا در شبه‌جزیره عربستان زحمتی به خود نمی‌دهند. روشن است که چنین شیوه‌ای برای مؤلفان کتابی در این سطح، که خود هدف از تألیف آن را «جدا کردن تاریخ از افسانه» اعلام کرده‌اند، شایسته نیست. ما در این مقدمه، تعدادی از این موارد را به اختصار بررسی خواهیم کرد، و ضمن اشاره به بعضی نکات ناگفته، نشان خواهیم داد که هرچند مؤلفان کتاب در طرح بیشتر مباحث دقت علمی زیادی به خرج داده‌اند، اما احتمالات تاریخی مربوط به بعضی از موضوعات مطرح‌شده در کتاب منحصر به نظرات آنان نیست.

باید دو نکته دیگر را هم به آنچه که گفته شد اضافه کرد. نخست آنکه، رویکرد مؤلفان کتاب

در تمرکز بیش از حد بر مقایسه گزارشهای تورات با یافته‌های باستان‌شناسی و نادیده گرفتن گزارشهای موجود در منابع سایر ادیان یک رویکرد دقیق علمی نیست. البته این صحیح است که آنها به دلیل بستر فکری و فرهنگی مخاطبان یا به دلیل عنوانی که بر کتاب نهاده‌اند شاید حق داشته‌اند توجه خود را بیشتر بر روایات تورات و دیگر بخشهای کتاب مقدس متمرکز کنند اما درباره موضوعاتی که از اشتراکات ادیان به شمار می‌روند و روایات مربوط به آنها با تفاوتی جزئی یا کلی در چند منبع مختلف آمده این‌گونه محدود نگه داشتن افق دید و حوزه تحقیق صحیح نیست. در واقع، چنین نیست که اگر نادرستی روایتی در یکی از منابع باستانی (مثلاً در یکی از کتابهای مقدس) ثابت شد به معنی نادرستی سایر روایات مرتبط با آن در همه منابع دیگر باشد، چون ممکن است آن روایات دیگر درست در همان نکته‌ای که ثابت کننده نادرستی روایت اول است با آن اختلاف داشته باشند. از طرف دیگر، برای پژوهشگرانی همچون مؤلفان این کتاب که از یک سو مدعی بی‌طرفی در تحقیق هستند و از سوی دیگر تورات و سایر کتابهای مقدس را نه آثار وحیانی اصیل بلکه حاصل فکر بشر و آمیخته‌ای از افسانه‌های ملل گوناگون باستان می‌دانند و در حقیقت همه آنها را از این نظر در سطحی یکسان قرار می‌دهند، چه دلیلی برای ترجیح دادن یکی از آنها (تورات) و نادیده گرفتن بقیه در طی تحقیق وجود دارد؟! توضیحات ما در ادامه روشن خواهد کرد که اتفاقاً آنچه درباره اختلاف کتابهای مقدس در روایات تاریخی و تأثیر آن بر تعبیرجهت و نتایج تحقیق گفتیم در مورد قرآن کاملاً درست است و اگر مؤلفان کتاب از همان ابتدا ذهنشان خواسته یا ناخواسته تحت تأثیر عقیده عمومی جهان امروز یعنی ارجحیت کتاب مقدس بر سایر کتابهای ادیان نبود و از این رو فکر خود را منحصر به آن نمی‌کردند به نتایج کاملاً متفاوتی دست می‌یافتند: نه ابراهیم از جایگاه یک انسان و پیامبر والامقام به حدّ یک موجود افسانه‌ای تنزّل می‌یافت، نه داستان تکیه زدن یوسف عبرانی بر اریکه قدرت در مصر برایشان دروغ جلوه می‌کرد، نه ماجرای شکافته شدن دریا با عصای موسی به نظرشان افسانه می‌رسید و نه از عظمت داوود و سلیمان دچار استنباطی نادرست می‌شدند. آنچه که هم جالب و هم تأمل‌برانگیز است، آن است که مؤلفان درحالی برای قضاوت در مورد واقعی بودن یا نبودن داستان پیامبران مدام بر کتاب مقدس تکیه می‌کنند که خود معترف‌اند این کتاب پایه و اساس درست تاریخی ندارد و روایات آن حتی از حوادث واقعی هم به شدت با خیال‌پردازی‌های کاهنان یهود و باورهای وارداتی ملل دیگر درآمیخته است؛ از سوی دیگر، در همین مقدمه خواهیم دید که روایات قرآنی در هیچ یک از موضوعات تاریخ قوم یهود تکرار عین روایات کتاب مقدس نیست بلکه تفاوتی بسیار مهمی با آنها دارد، و این تفاوتها گاه اتفاقاً

درهمان نکاتی است که مؤلفان کتاب برای نشان دادن نادرستی روایات کتاب مقدس به آنها استناد می‌کنند. به این ترتیب، دلایلی که در این کتاب برای اثبات نادرستی گزارشهای کتاب مقدس درباره بسیاری از موضوعات حساس تاریخ ادیان آورده شده، نه تنها در مورد روایات قرآنی صدق نمی‌کند بلکه بر خلاف تصور همگان، حتی مؤید و اثبات‌کننده آنها نیز هست. از این جهت، گمان مؤلفان کتاب مبني بر اینکه داستانهای مطرح‌شده در قرآن ریشه در کتاب مقدس دارد صحیح نیست، و نشان می‌دهد که آنها در این اظهارنظر به تفاوت‌های مهم بین روایات قرآنی و توراتی آن چنان که باید و شاید توجه نکرده‌اند.

نکته دوم آن است که مؤلفان کتاب به رابطه بین گزارشهای کتاب مقدس و اسطوره‌های ملل، و باورهایی که در نتیجه حشر و نشر یهودیان با اقوام دیگر به خصوص در دوران تبعید بابل وارد تورات شده، نپرداخته‌اند. در واقع کتاب حاضر، تنها به بُعد تاریخی کتاب مقدس پرداخته و از منظر باستان‌شناسی بدان نگاه کرده است، نه اسطوره‌شناسی. با این حال اهل دانش و تحقیق بدین واقف‌اند که همیشه جدا کردن تاریخ از اسطوره کار ساده‌ای نیست، و هر جا که بحث بر سر موضوعی تاریخی در جریان است (به خصوص اگر آن موضوع قدمتی بیش از آستانه تاریخ داشته باشد) به ناچار پای اسطوره‌ها هم بدان باز می‌شود، همچنان که مثلاً در مورد واقعه طوفان نوح می‌توان دید. تردیدی نیست که پیدا کردن سر رشته حقیقت و جدا کردن تاریخ از اسطوره کار بسیار خطیری است که دانش باستان‌شناسی هم کاربرد عمده‌ای در آن دارد اما مؤلفان کتاب به دلایلی ترجیح داده‌اند بحث‌های خود را فقط در محدوده واقعیات تاریخی نگه دارند، و نخواسته‌اند شأن و جایگاه کتاب خود را با پرداختن به اسطوره‌ها پائین بیاورند. اما به هر حال نمی‌توان از این حقیقت گریخت که قوم یهود در زمان حشر و نشر با اقوام دیگر تحت تأثیر باورهای آنان قرار داشته‌اند (خود کتاب مقدس هم بارها به نمونه‌هایی از آن اشاره کرده است) و این تأثیرپذیری در زمان سکونت آنها در بابل از بقیه زمانها بیشتر بوده و بعداً هم در کتاب مقدس منعکس شده است. رد پای این باورهای وارداتی را در موضوعاتی نظیر خلقت جهان، پیدایش بشر، طوفان نوح و غیره می‌توان یافت. هرچند بعضی از این موضوعات بین بیشتر کتابهای آسمانی مشترک‌اند اما نکته‌ای که در بالا در مورد تفاوت روایات قرآنی با مندرجات تورات متذکر شدیم در اینجا نیز باید مورد توجه قرار گیرد. در ادامه، ریشه‌های تاریخی بعضی از موضوعات مشترک بین کتاب مقدس و قرآن را، البته فقط از جنبه‌های مرتبط با باستان‌شناسی، به اختصار بررسی می‌کنیم.